



«شرق» از تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران و پاسخ قاطع تهران گزارش می‌دهد

شکست گنبد آهنین

پرونده‌ای درباره جنگی که ایران آغاز نکرد

یادداشت

رسانه، جنگ، حقیقت



مهدی رحمانیان

در روزهایی که موشک‌ها در آسمان می‌غرند، حقیقت در زمین سردرگم می‌ماند. در دل جنگ، میدان نه‌فقط عرصه گلوله‌ها بلکه صحنه تقابل روایت‌هاست و در این نبرد دوم، رسانه‌ها پیش‌قراول‌اند. آنچه از یک جنگ به جام می‌ماند، نه‌فقط آثار و ویرانی، بلکه حافظه جمعی است؛ حافظه‌ای که از دل خبرها، تصاویر و روایت‌ها ساخته می‌شود. در جبهه تنش‌ها میان ایران و اسرائیل، یک واقعیت تلخ بیش از همیشه عیان شده: فقدان حضور مؤثر و منسجم رسانه‌های داخلی در صحنه روایت‌سازی جنگ. رسانه‌های ما، با همه تلاش‌های خستگی‌ناپذیرشان، با آن نبود دسترسی می‌نالند یا از سایه سنگین ملاحظات، حاصل آن می‌شود این: روایت ما، با صدای دیگران شنیده می‌شود. تصویری که از ما به جهان مخابره می‌شود، تصویری است که دیگران قاب گرفته‌اند؛ با زاویه دید، دروغ و اغراق خودشان. در چنین لحظه‌هایی، آزادی رسانه نه یک شعار لوکس، بلکه یک ضرورت امنیتی است. مادامی که خبرنگار ایرانی نتواند در خط مقدم بایستد، با چشم خودش ببیند و روایت کند، صحنه نبرد رسانه‌ای را واگذار کرده‌ایم. این نه صرفاً یک شکست خبری، بلکه واگذاری حق تفسیر هویت ملی، روایت دفاع و حافظه تاریخی به دیگران است. نظام رسانه‌ای کشور نیاز به بازنگری فوری دارد. تأمین امنیت خبرنگار در صحنه، دسترسی مستقیم به اخبار بدون هفت لایه واسطه و به‌رسمیت‌شناختن رسانه‌های مستقل به عنوان شریک روایت ملی، ضرورتی است که اگر امروز بدان بی‌اعتنایی شود، فردا با هزینه‌ای بزرگ‌تر گریبان‌مان را خواهد گرفت. رسانه، دیده‌بان جامعه است. اگر قرار باشد رسانه قاطع آنچه را ببیند و بنویسد که به او گفته می‌شود، نه حقیقت را روایت می‌کند و نه اعتماد می‌سازد. در جنگ، اعتماد مردم سرمایه‌ای است کمیاب‌تر از موشک و پهپاد. ما، به عنوان روزنامه‌نگاران مستقل، نه برای ایجاد افشاش کلمات، که برای روشن‌کردن تاریکی‌ها اینجایم. اگر نخواهیم، با نتوانیم آن‌گونه که باید بنویسیم، جای خالی ما را دروغ‌نویسان پر خواهند کرد.

حمایت از افسار محروم را نمی‌توان در گفتاردرمانی‌های مرسوم خلاصه کرد. بلکه در عمل باید تغییراتی در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اتفاق بیفتد. در سال‌های اخیر مدام اخباری درباره عملکرد شبکه فساد و ابعاد حیرت‌انگیز حیف‌ومیل‌ها منتشر شده که اموال به‌غارت‌رفته هرکدام از این پرونده‌ها به تنهایی می‌توانسته باری سنگین از دوش دولت برداشته و خدمات رفاهی ارائه‌شده به افسشار کم‌درآمد را با رشدی محسوس افزایش دهد. اما در سایه بی‌توجهی مسئولان و حتی حمایت از برخی رانت‌جویان این فسادهای عظیم شکل گرفته است. اینک در شرایطی که کشور در آستانه یک درگیری تمام‌عیار است، دولت می‌بایست به این رسالت بزرگ خود توجه کرده و با بازنگری در شیوه تخصیص منابع عمومی و بودجه‌ای و نیز تلاش برای بازپس‌گیری اموال به‌غارت‌رفته، منابع مالی کافی برای حمایت از افسشار کم‌درآمد را فراهم کند و عزم خود را برای حمایت از آنان به نمایش بگذارد. به باور نگارنده راه طی‌شده در حوزه بودجه‌ریزی و تخصیص منابع عمومی کشور راهی سنجیده و خردمندانه نبوده و دیر یا زود باید از این مسیر نادرست رانت‌ساز و فقرکستر بازگشت. گفتنی است هشت قرن پیش شیخ سعدی نصیحتی به حاکمان و دولتمردان عصر خود کرده که:

نواحی ملک از کف بدسگال
به لشکر نگه دار و لشکر به مال
شاید اگر او امروز در کنارمان بود و با شرایط امروز جوامع بشری آشنا می‌شد، با توجه به این واقعیت که اینک بزرگ‌ترین و قدرتمندترین سلاح هر حکومتی همراهی و همدلی ملی است، مصرع دوم این شعر پرمعنای خود را چنین اصلاح می‌فرمود که:

به «مردم» نگه دار و «مردم» به مال.

حادثه تروریستی سحرگاه ۲۳ خرداد هرچند تلخ و دردناک بود، اما باید

این تذکر را از لایه‌لای پیام‌های متعدّدش به مسئولان کشور خواند که شرایط

جنگی کشور، توجه خاصی را به اقتصادیات خانوارهای کم‌درآمد می‌طلبد.

یادداشت

اقتصادیات دفاع و ضرورت ازسرگیری سیاست‌های حمایتی



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

کشور ایجاد کرده که یادآور حمله گسترده عراق صدامی در ۳۱ شهریور ۵۹ است. بی‌تردید مسئولان امر پاسخی درخور به این آتش افروزی خواهند داد، همان‌گونه که عملیات کمان ۹۹ اقتدار نظامی ایران را به رخ صدامیان کشید. اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت شود، این است که رمز موفقیت در هر درگیری نظامی حفظ آرامش در داخل کشور و دادن این پیام به افسشار کم‌درآمد است که دولت تحت هر شرایطی از حمایت از آنان دست نخواهد کشید و اجازه نخواهد داد وضعیت معیشتی آنان آسیب ببیند. این بدان معنی است که باید بازنگری اساسی در سیستم تخصیص منابع و بودجه عمومی کشور اتفاق بیفتد و دولت با درایت و تدبیر سهم حوزه رفاهی از کل بودجه را با سرعت ترمیم کند. در چند دهه گذشته نظام بودجه‌ریزی کشورمان به صورت مداوم در مسیر رانت‌سازی و ایجاد فرصت‌های کسب درآمد برای اقشار خاص پیش رفته و نتیجه محسوس آن شکل‌گیری فاصله طبقاتی حیرت‌انگیز بین اقشار جامعه است. برنده‌های این وضعیت از رفاه رشک برانگیزی برخوردار شده‌اند و بقیه مردم که درواقع گروه بازنده هستند، هر روز بیش از پیش گرفتار دشواری‌های معیشتی شده‌اند. این اتفاق دردناک گروه بزرگی از شهروندان را به سمت این باور هل داده است که گویی دولتمردان اصلاً نگران وضعیت معیشت متزلزل آنان نیستند و در بین دغدغه‌های متعدّدشان ضرورت رفع فقر و حمایت از خانوارهای گرفتار تنگدستی جایی ندارد.

یادداشت

قفقاز؛ جغرافیایی راهبردی و بسیار مهم برای ایران

نیروهای مسلح و ملت ایران باید به دقت قفقاز را رصد کنند



نوید مجیدی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر

ارتباطی با پیش‌بینی این روزها و «شنیدن بوی کباب»! داشته باشد. از این رو بر دولت، نیروهای مسلح، نهادهای اطلاعاتی کشور و نیز ملت گرامی ایران، به‌ویژه در آذربایجان و کردستان که هر دو همواره از پایگاه‌های پاسداری از خاک ایران و فرهنگ ملی بوده‌اند و بخش مهمی از سامانه‌های پدافندی و زرهی مهین در آنها مستقرند و به آنها عملاتی هم شده، واجب است هوشیار عمل کنند و در هنگام لزوم، مدافعان ایران در آن دیاران باشند.

حمله گسترده هوایی ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به فرودگاه‌ها و مراکز نظامی و اقتصادی کشورمان، سرآغاز جنگی طولانی شد که بخش عظیمی از منابع، امکانات و توان مسئولان ارشد کشور را به خود تخصیص داد. در چنین شرایطی مسئولان دولت وقت به‌درستی حمایت از معیشت افسشار کم‌درآمد را به‌عنوان یک برنامه راهبردی مورد توجه قرار دادند. آنان می‌دانستند مدیریت درست و کارآمد میدان جنگ در گرو بسط آرامش در پشت جبهه است. به بیان دیگر همان‌گونه که فرماندهان جنگ توان و عزم خود را مصروف پیشبرد اهداف جنگی می‌کنند، در میدان اقتصاد نیز دولتمردان باید شیوه‌ای کارآمد برای تأمین نیازهای اساسی شهروندان به‌ویژه افسشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد به کار بگیرند و فشار ناشی از کمبود کالاهای اساسی و افزایش قیمت‌ها را به حداقل برسانند. این‌گونه بود که در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس با وجود کاهش شدید درآمد ارزی و دشواری‌های فراوانی که به اقتصاد ملی تحمیل شد، شاهد بروز قحطی و سوءتغذیه در کشور نبودیم.

در سال‌های اخیر کشورمان هرچند به صورت مستقیم درگیر جنگ نبوده، اما اقتصاد ملی «شرایط جنگی» را با تمام وجود تجربه کرده است. تحریم، کاهش درآمدهای ارزی، سقوط ارزش پول ملی و گسترش نجومی ابعاد فقر چهره جامعه امروز ایران را خراشیده و مردم مقاوم و بردبار کشورمان را رنجانده است. دشواری‌های مالی که دولت‌های وقت همواره گرفتار آن بوده‌اند، شرایطی را رقم زده که همه‌ساله با محدود و محدودتر شدن بودجه حوزه‌های رفاهی روبه‌رو بوده‌ایم و به بیان دیگر دولت شهروندان را در موقعیتی قرار داده که با کمترین سپر حمایتی ممکن با واقعیت تلخ رکود مزمن و تورم لجام‌گسیخته روبه‌رو شوند. یکی از گویاترین شاخص‌ها نسبت جمعیت مستأجر کشور است که از ۱۴.۵ درصد در سال ۶۵ و ۱۸.۵ درصد در سال ۷۵ به بیش از ۳۳ درصد در شرایط فعلی رسیده است. ماجراجویی اخیر رژیم صهیونیستی و حمله به مراکز نظامی و اماکن مسکونی در اولین ساعات روز ۲۳ خردادماه هرچند اتفاق تازه و غیرمنتظره‌ای نیست، اما شرایطی را در

سرمقاله

همبستگی ملی



کیومرث اشتریان

۱- واکنش‌های شخصیت‌ها و فعالان سیاسی در برابر حمله اسرائیل به ایران بیش از هر چیز نشان می‌دهد که همبستگی ملی در پی حمله اسرائیل افزایش یافته است. با هر استدلال اخلاقی، نظامی و سیاسی که به موضوع بنگریم، توصیه‌ای جز این نخواهیم داشت که باید مقاومت کرد و پاسخ متقابل را به اسرائیل داد. چگونگی این پاسخ را نیز بر عهده مسئولان امر بگذارید و تندتر و کندتر از آنان نبوید. به ویژه از فشار روانی بر آنان برای گسترش دامنه جنگ و عدم بهره‌برداری از دیپلماسی یا میانجیگری بپرهیزید. برای مقاومت و حفظ سرمایه‌های ملی باید از هر ابزار نظامی-سیاسی بهره‌برداری کرد. رژیم آباتراید اسرائیل و جنایتکاران جنگی آمریکایی و اروپایی پشتیبان آن هیچ درسی از صلح و اخلاق و حقوق بشر ندارند که به ما بدهند. هدف آنان همه ایران است. باید همبستگی ملی را حفظ کنیم، روحیه خود و خانواده خود را تقویت کنیم و به ویژه به فشار روانی اجتماعی دامن نزنیم. این حداقل کاری است که از دستمان بر می‌آید. یکدیگر را سرزنش نکنید. دشمن روبه‌روی همه ما ایستاده است. مراقب روحیه مردم باشید و آشتی‌کی را دامن نزنیم. ما ملت بزرگی هستیم و دوران‌های سخت را با موفقیت پشت سر گذاشته‌ایم.

۲- اینکه بگوئیم پیش‌بینی کرده بودیم و گوش شنوایی نبود... دردی را دوا نمی‌کند

و بعضاً به این می‌ماند که بخواهیم از خون عزیزان دامن شهرت و قسای دانش خود را بیاراییم. جمهوری اسلامی این بار این حجت را دارد که برای دفع شر مذاکره کرده و انعطاف لازم را نشان داده است. اگر بدون مذاکره به وضعیت امروز می‌رسیدیم، آنگاه چگونه پاسخ می‌داد که چرا راه مذاکره را بسته است؟ این حجتی است که همبستگی

ملی را در برابر این تجاوز تقویت می‌کند. هم مذاکره در موقع و موضع درستی بوده و هست و هم مقاومت.